

اصول و نکات تربیتی و فضیلت های آیه الكرسي از نظر روایات و تفسیر المیزان

نیره علی محمدی^۱، شهین حدادی^۲

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه کوثر ولایت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ استاد، حوزه علمیه کوثر ولایت، تهران، ایران

چکیده

آیه الكرسي، با عظمت ترین آیه در قرآن کریم؛ شامل یک دوره فشرده از معارف دینی ما است. جامعیت آیه الكرسي؛ در ترسیم رابطه‌ی خداوند با مخلوقاتش به ویژه انسان، موجب امتیاز این آیه بر دیگر آیات شده و مفسران را واداشته است، تا با اهتمامی ویژه، به شرح آن بپردازند. در این مقاله؛ حدود آیه، تفسیر آیات بر اساس تفسیر المیزان، مهمترین نکته تربیتی آیه الكرسي، که مالکیت همه چیز از آن خداست، منظور از عروه الوثقی در آیه الكرسي و روایات و احادیث معتبر در اهمیت؛ فضیلت؛ اعجاز و خواندن آیه الكرسي از منابع روایی از جمله تفسیر روایی اهل بیت (علیهم السلام)، آمده است. در انتها نتیجه گیری از معنا و تفسیر و نکات تربیتی آیات آمده که آیه اول توحید؛ از وحدانیت خدا؛ حیات خدا؛ قیومیت؛ مالکیت مطلق؛ علم فراگیر و شفاعت در نزد او سخن می گوید. آیه دوم در مورد نبوت و آیه سوم امامت است. با توجه به تفسیر آیه الكرسي، می توان این آیه را در شش محور اصلی مورد دقت و مطالعه قرار داد: ولایت الله؛ خروج از ظلمت؛ کفر به ولایت الله؛ ولایت طاغوت؛ خروج از نور؛ اصحاب آتش.

واژه های کلیدی: آیه الكرسي، تربیت، توحید، شفاعت، عروه الوثقی، کرسی

مقدمه

پیشوایان دین این آیه را از پرفضیلت ترین آیه قرآن دانسته و آثار و برکات زیادی برای قرائت آن در منابع روایی و تفاسیر بیان داشته اند. آیه ۲۵۵ سوره بقره، به جهت واژه «الکرسی» در جمله «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»، آیه الکرسی شده است.^۱ وجود روایاتی منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، امامان (علیهم السلام) و صحابه درباره این آیه نشان می دهد که شهرت آن به آیه الکرسی، به زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر می گردد.^۲ جامعیت آیه الکرسی در ترسیم رابطه ی خداوند با مخلوقاتش به ویژه انسان، موجب امتیاز این آیه بر دیگر آیات شده و مفسران را واداشته است تا با اهتمامی ویژه، به شرح آن بپردازند.

در مورد شأن نزول آیه الکرسی امام صادق (علیه السلام) می فرماید: یهود معتقد بودند، وقتی خدای توانا آسمان ها و زمین را آفرید، در حالی که بر فراز کرسی نشسته و روی دو زانوی خود تکیه کرده بود، رفع خستگی نمود؛ لذا آیه الکرسی بر ردّ اعتقاد آنان نازل شد.^۳

حدود آیه الکرسی: مشهور میان مفسران شیعه آن است که آیه الکرسی فقط آیه ۲۵۵ سوره بقره است. تمام روایاتی که در فضیلت این آیه نقل شده، فقط همین آیه را آیه الکرسی خوانده اند؛ تعبیر کرسی فقط در آیه ۲۵۵ آمده است؛ در بعضی روایات وارد شده که آیه الکرسی پنجاه کلمه است و شمارش کلمات آیه ۲۵۵ پنجاه کلمه است. در روایاتی که دستور داده شده دو آیه بعد نیز خوانده شوند، عنوان آیه الکرسی بر آن دو آیه گفته نشده است.^۴ در مقابل نظر مشهور، برخی با استناد به بعضی از روایات آیات ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره را هم جزو آیه الکرسی در میان شیعیان دانسته اند.

مفهوم تربیت: واژه تربیت با دو ماده لغوی، ربو و ربب و به معنای پروردن و پروراندن بیان شده است.^۵ تعریف تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. بعثت پیامبران، نزول کتاب های آسمانی و تشریع شرایع و تکالیف، همه در راستای تربیت انسان و هدایت او به صراط مستقیم عبودیت و نیل به هدف والای خلقت، یعنی معرفت خداوند و تخلّق به فضائل انسانی است؛ و اصولاً فلسفه تشکیل حکومت دینی و نصب کارگزاران شایسته و صالح در رأس امور، تشریع فرائضی همچون امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام دین به تعلیم و تعلم، همان تربیت انسان به تربیت الهی و نیل او به قله بلند معرفت و عبودیت است. در ادامه، نکات تربیتی و اعتقادی این سه آیه که برای رسیدن فرد به تربیت الهی است، بر اساس تفسیر المیزان خواهد آمد.

اصول و نکات تربیتی و تفسیر آیه ۲۵۵ سوره بقره^۶

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۶.

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۳۷.

^۳ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۱.

^۴ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۷.

^۵ دهخدا، لغت نامه، ج ۵۱، ص ۱۱۹.

^۶ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۳۵.

^۷ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۰۰-۵۲۱.

اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، خداوند یکتا است که معبودی به جز او نیست. خدائی است زنده و پاینده، چرت نمی زند تا چه رسد به خواب، هر چه در آسمانها و زمین

هست، از آن اوست. آنکه به نزد او بدون اجازه اش شفاعت کند، کیست؟ آنچه پیش رو و پشت سرشان هست می داند و به چیزی از دانش وی جز به اجازه خود او احاطه ندارند. قلمرو او آسمانها و زمین را فرا گرفته و نگهداشتن آنها بر او سنگینی نمی کند، که او والا و بزرگ است.

آثار تربیتی توحید و صفات خداوند: آیه الکرسی مجموعه‌ای از صفات جلال و جمال خداوند بوده^۱ و اینکه ۱۶ مرتبه نام خدا و صفات او در این آیه آمده است؛ به همین سبب آیه را شعار و پیام توحید خوانده‌اند. این آیه، شامل صفات ذات خداوند از جمله وحدانیت، حیات، قیومیت، علم و قدرت و هم شامل صفات فعل او مانند مالکیت بر جهان هستی و شفاعت نیز می باشد.^۲ این مفهوم در ترجیع بند هاتف اصفهانی که یکی از زیباترین اشعار ادبیات فارسی است، بیان شده است:^۳

پی بری گر به رازشان دانی که همین است سر آن اسرار

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لاله الا هو

«الْحَيُّ الْقَيُّومُ»؛ در این آیه نشان دهنده بی نهایت بودن و کامل بودن این صفات ذات خداوند است. آیه الکرسی با کلمه حی تمام معبودهای بی جان و جماد را از کرسی الهیت به زیر می آورد و بشر زنده و عاقل را از پرستش آن خدایان ساختگی آزاد می سازد. قیام بر هر چیز به معنای درست کردن و حفظ و تدبیر و تربیت و مراقبت و قدرت بر آن است. چرت نزدن و نخوابیدن خداوند، تأکیدی است بر حیّ و قیوم بودن خدا، زیرا قیام کامل مطلق به تدبیر امور عالم هستی، در صورتی است که حتی یک لحظه غفلت و سستی مانند خواب سبک در آن نباشد. این جمله، اشاره به این حقیقت است که فیض و لطف تدبیر خداوند دائمی است، و لحظه ای قطع نمی گردد، و همچون بندگان نیست که بر اثر خواب سبک و سنگین، یا عوامل دیگر، لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل ماند.

رابطه و پیوند تربیت و توحید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: **الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ**. صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن است، چون سر نباشد تن هم نخواهد بود، همچنین هر گاه صبر نباشد ایمان هم نیست. نسبت اعتقاد به توحید الهی به سایر عقاید هم، همچون نسبت سر به بدن است. همانگونه که بدن بی سر مرده ای بیش نیست و ارزشی ندارد، اعتقادات انسان بدون توحید، فاقد هرگونه ارزشی خواهد بود. بینش توحیدی به حیات و زندگی انسان معنا و روح و هدف می دهد؛ زیرا این بینش او را در مسیری از کمال قرار می دهد که در هیچ حدّ معینی متوقف نمی شود. این نوع بینش خود به خود بر روی شخصیت و روحیه و اخلاق و اعمال بشر تأثیر می گذارد و هدف آن اعمال را الهی می سازد و همه ابعاد زندگی آدمی را فرا می گیرد. در واقع می توان ادعا نمود،

^۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۶۲.

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۲۸-۳۳۶.

^۳ هاتف اصفهانی، دیوان اشعار، ترجیع بند وحده لا اله الا هو، ج ۱، ص ۳۲.

^۴ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۴۰.

اعتقاد به توحید در صورتی که کامل و یقینی باشد، بر تمام هستی آدمی مسلط شده و همه ابعاد گوناگون وجود او را سازگار با یکدیگر می سازد و آن ها را در جهت الهی قرار می دهد.

در نگاه علامه طباطبایی (ره)، خدای سبحان، آیه شریفه **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا**^۱ را با جمله **وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** ختم فرموده ، تا اهل تذکر، متذکر این معنا بشوند که: برای رسیدن و یا بیشتر رسیدن به سعادت هیچ راهی جز کلمه توحید و استقامت بر آن وجود ندارد.^۲ یکی از ویژگی های انسان کمال جویی است و پیوسته در دو بعد فردی و اجتماعی به دنبال رشد و تکامل و دستیابی به حیات طیبه است. این مقصود جز در پرتو تربیت صحیح، برای او و اجتماعش حاصل نمی گردد. در ادامه، آثار و نکات تربیتی توحید در دو بعد فردی و اجتماعی انسان با تمرکز بر روی معارف قرآن کریم و تفسیر شریف المیزان اشاره خواهد شد:

آثار تربیتی توحید در بعد فردی

آثار تربیتی توحید در تفکر و اندیشه انسان: پذیرش هدف داری جهان و انسان، باور به همبستگی جهان و انسان و پی بردن به وحدت تمام هستی، شناخت واقعی جهان و انسان، تغییر نگرش و دارا شدن نگرش مثبت، آزادی فکر و عقیده^۳ خداوند منشأ تمام هستی، انتخاب زندگی صحیح و عقلانی^۴، انضباط در اندیشه و عقیده^۵.

نگرش توحیدی، در جنبه فکری و عقلانی سبب می شود، آدمی با شناخت واقعی جهان و انسان، به وحدت و همبستگی و هدف داری آن ها پی برده و نگرشش به هستی تغییر یافته و خداوند را منشأ تمام هستی بداند و با بلند نظری و وسعت دید، زندگی صحیح و عقلانی را انتخاب نماید.

آثار تربیتی توحید در روح و روان انسان: آرامش روحی و کاهش اضطراب، رهایی از ناامیدی، روشن بینی و روشن گری، پرورش نیروی مقاومت در انسان، بهره مندی از لذت های معنوی^۶، امیدواری و اطمینان به نتیجه بخشی تلاش های خویشتن، افزایش قدرت روح^۷.

در جنبه روحی و روانی، این نوع نگرش سبب می شود انسان از ناامیدی رها شده و آرامش روحی برایش حاصل شود، با روشن بینی خود، به روشن گری بپردازد و با افزایش قدرت روح، سختی ها و مصایب را تحمل نماید و از لذت های معنوی بهره مند گردد.

^۱ ابراهیم: ۲۴ و ۲۵

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۷۲-۷۴.

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۵۷؛ ج ۱۹، ص ۵۸۸؛ ج ۱۹، ص ۶۵؛ ج ۱۰، ص ۱۳۰؛ ج ۲، ص ۲۹۵.

^۴ نساء: ۷۸، جاثیه: ۲۴

^۵ سید قطب، ویژگی های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه سید محمد خامنه ای، ص ۳۱۳.

^۶ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۸۶؛ ج ۱۱، ص ۳۲۰؛ ج ۱۹، ص ۶۰۴؛ ج ۱، ص ۵۳۳؛ ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۹.

^۷ انبیاء: ۹۴، حجر: ۹۷ و ۹۸

آثار تربیتی توحید در جسم انسان: اعضا و جوارح، نعمت های الهی، به کارگیری اعضا و جوارح در جهت الهی، چشم تماشاگر شگفتی های آفرینش حق، زبان، ذاکر خداوند، گوش، شنوای حق و حقیقت.^۳ در جنبه جسمی، اعضا و جوارح خود را نعمت های الهی دانسته و آن ها را در راه رضای او به کار می گیرد، به نحوی که چشم، تماشاگر زیبایی های آفرینش باشد و زبان ذاکر خداوند و گوش شنوای حق و حقیقت؛ و از ارتکاب معاصی که به جوارح آدمی مربوط است اجتناب نماید.

آثار تربیتی توحید در اخلاق انسان : عبادت و پرستش،^۴ صبر در مصائب و ناملایمات، توکل بر خدا، اجتناب از گناه، رعایت ادب، نفی محبت غیر خدا،^۵ اخلاص، نفی بیم و امید از غیر خداوند،^۶ حریت و وارستگی، عزت و پایداری،^۷ تعدیل غرایز،^۸ مسئولیت پذیری،^۹ تعصب و غیرت با صبغه الهی. در جنبه اخلاقی، عبادت و پرستش خدا را وظیفه خود دانسته و نهایت اخلاص را مراعات کرده از گناهان اجتناب نموده، همواره بر خدا توکل کرده و از غیر خدا بیم و امیدی ندارد و محبتش به غیر او تعلق نمی گیرد و به حریت، وارستگی و عزت دست می یابد.

آثار تربیتی توحید در بعد اجتماعی

آثار تربیتی توحید در خانواده : ازدواج امری الهی، هدف، کسب رضایت الهی، تربیت فرزند صالح، صیانت و حفظ خانواده، رعایت حقوق در خانواده.^{۱۰} در بعد اجتماعی، بینش توحیدی در واحد خانواده، اعضای آن را به گونه ای تربیت می کند، که سبب می شود، مرد و زن هدف از ازدواج خود را پیوند الهی تلقی نموده و در این پیوند، همواره به دنبال کسب رضای او باشند، هدفشان در خانواده رشد و کمال یکدیگر و تربیت فرزندان صالح است. در چنین خانواده توحیدی، خود را ملزم به رعایت حقوق یکدیگر می دانند. آثار تربیتی توحید در زمینه سیاسی: پذیرش حاکمیت انحصاری خدا، نفی سلطه، حکومت امانتی در نزد حکام و کارگزاران، وحدت جهت، حرکت و هدف، دفاع و حفظ کیان جامعه.^{۱۱}

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۷۴؛ ج ۱۶، ص ۳۷۵؛ ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ ج ۲۰، ص ۶۰۳-۶۰۴؛ ج ۱۵، ص ۱۱.

^۲ نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۶۹

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ذیل تفسیر آیه ۱ سوره اعلی، ج ۱۷، ص ۳۸۰.

^۴ مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۹۶-۹۷.

^۵ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۱۷۵؛ ج ۱۱، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ ج ۱۹، ص ۵۱۴-۵۱۵؛ ج ۱۱، ص ۱۴۳؛ ج ۲۰، ص ۵۵۰؛ ج ۱۱، ص ۱۶۹-۱۷۲؛ ج ۶، ص ۳۶۸؛ ج ۶، ص ۳۹۰-۳۹۲؛ ص ۳۹۴-۳۹۶؛ ج ۳، ص ۲۴۷-۲۴۸.

^۶ انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳؛ بینه: ۵؛ تغابن: ۱۱؛ آل عمران: ۱۷۵

^۷ فاطر: ۱۵؛ زمر: ۲۹ و ۳۶؛ منافقون: ۸

^۸ سبحانی، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل، ص ۳۳.

^۹ مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، ص ۱۳۸-۱۳۹.

^{۱۰} طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۹۱؛ ج ۱۵، ص ۳۳۹؛ ج ۱۹، ص ۲۱؛ ج ۱۶، ص ۳۲۲.

^{۱۱} همان، ج ۱۱، ص ۲۴۲؛ ج ۹، ص ۳۲۶؛ ج ۱۷، ص ۲۹۶؛ ج ۴، ص ۱۷۲؛ ج ۴، ص ۴۰.

در جنبه سیاسی اجتماع با پذیرش حاکمیت مطلق الهی به نفی هرگونه سلطه و سلطه پذیری می پردازد، دیدگاه حکام و کارگزاران به حکومت آن است که آن را امانتی محسوب می کنند، که مالک حقیقی آن همیشه شاهد و ناظر بر آنان است و مردم نیز در چنین جامعه ای در مقابل هرگونه تهدیدی به دفاع از کیان خود و جامعه می پردازند.

آثار تربیتی توحید در زمینه فرهنگی، اقتصادی و عدالت اجتماعی: تعلق هستی و تمامی اموال به خداوند، تساوی انسانها در برخورداری از نعمت ها، پرهیز از اسراف و تجاوز، پرهیز از تکاثر و گرایش به انفاق^۱، گردن نهادن به قانون الهی، مقابله با مفاسد و انحرافات و تلاش در جهت اصلاح جامعه، جهت گیری صحیح انسان در مسایل مالی^۲، رعایت عدالت اجتماعی و اقتصادی، رعایت حقوق و قوانین و مقررات، رعایت سپاس گذاری و شکر.

در جنبه فرهنگی اجتماع، با دیدگاه توحیدی همه مردم در مقابل قانون الهی تسلیم هستند و با هدف اصلاح اجتماع با مفاسد و انحرافات مبارزه می کنند، در این جامعه با رعایت عدالت اجتماعی، اختلافات طبقاتی از آن جامعه ریشه کن می شود و مردم حقوق یکدیگر را پاس می دارند. و نیز در جنبه اقتصادی اجتماع، با نگرش توحیدی کل هستی به خداوند متعلق است و این بینش سبب می شود تا انسان ها در مسائل مالی جهت گیری صحیحی داشته باشند و از اسراف و تکاثر پرهیز نموده و به انفاق و ایثار میل پیدا کنند و با اعتقاد به حقوق اجتماعی دراموال شخصی، حقوق مالی واجب خود نظیر خمس، زکات و... ادا کند و به این ترتیب عدالت اقتصادی در آن جامعه تحقق می یابد.

مهمترین نکته تربیتی آیه الكرسي: لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. آیه الكرسي در بردارنده نکته تربیتی بسیار مهمی است، آن هم مالکیت حقیقی خداوند بر همه چیز می باشد. توجه به اینکه انسان چیزی از خود ندارد و هر آنچه دارد از آن خداست، آثار تربیتی فراوانی دارد که شاید مهمترین آن آثار عدم وابستگی خاطر انسان به مادیات باشد، که خود این عدم وابستگی به مادیات منشأ برکات فراوانی می شود. جوابش در همین نکته تربیتی به وضوح پیدااست چون هر آنچه هست از آن خداست و انسان چیزی از خود ندارد. پس انسان به این نکته توجه داشته باشد که چیزی در این دنیا برای او نیست.^۳ ما وقتی که به دنبال چیزی هستیم، برای بدست آوردن آن، دچار رنج، استرس، ناراحتی و اضطراب خواهیم شد، که این موضوع از آثار این تفکر است که رنج تملک^۴ می باشد. ما طبق این آیه امکان تملک (مالکیت) نداریم و اجازه تمتع (بهره برداری) داریم. کسی که شناخت او مبتنی بر توحید باشد، پدیده های جهان را آیات الهی می داند و هرگز تعلق اصیل خود را متوجه چیزی غیر از خدا نمی کند. اگر سود و منفعتی به سوی او بیاید، خوشحال نمی شود و اگر نفعی از او زایل شود غمگین نمی گردد، زیرا او همه چیز را آیت الهی می داند که آمد و شد آن ها جهت ابتلاء و امتحان انسان ها می باشد.

با ایمان به این موضوع با یک تمرین و تربیت، با عنوان خدایا اجازه به معرفت و شناخت بالایی خواهیم رسید. به عنوان مثال برای خوردن یک لیوان آب، از خداوند که مالک حقیقی همه هستی است، اجازه می گیریم که خدایا از لیوان تو، با دست و دهان تو، از آبی که متعلق به تو است می نوشم. این تمرین، سه نکته تربیتی خواهد داشت: ادب، خوشحالی و کسب قدرتهای معنوی. ادب: انسان پس از تحصیل چنین اعتقادی در مجرای زندگی قدم نهاده، هر عملی را که انجام می دهد، حکایت از عبودیت او و عبودیت هر چیزی نزد خداوند می نماید و به همین وسیله توحید پروردگار در ظاهر و باطنش سرایت نموده و خلوص در بندگی

^۱ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۵۹؛ ج ۴، ص ۲۷۳؛ ج ۵، ص ۶۳؛ ج ۲، ص ۵۸۷-۵۸۸ و ۵۹۵-۵۹۶.

^۲ مومنون: ۹۱؛ توبه: ۷۱؛ عبس: ۲۴-۳۲

^۳ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۱۵.

^۴ لطفی، علیرضا، پژوهشگر علوم قرآنی، کارگاه اصول و نکات تربیتی آیه الكرسي، quraniclif.ir.

و عبودیتش از اقوال و افعال و سایر جهات وجودیش ظاهر می گردد. مرحوم علامه (ره) مصادیق متعددی از ادب را تبیین می کند، به طور مثال حضرت ابراهیم (علیه السلام) به اسماعیل گفت: پسر من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم نظرت در این باره چیست؟ ادبی که اسماعیل بکار برد این بود که گفت: بزودی خواهی یافت که من از صابرینم ان شاء الله. اسماعیل (علیه السلام) با این کلام خود هم پدر را خشنود نمود، و هم ادب را نسبت به خداوند رعایت نموده، زیرا وعده ای که راجع به تحمل و صبر خود داد به طور قطع و جزم بیان نکرد، بلکه آن را به مشیت خداوند مقید ساخت.

خوشحالی: اضطراب و نگرانی به خاطر آینده تاریک و مبهم، گذشته تاریک، احساس پوچی زندگی و بی هدف بودن و میل و گرایش به زرق و برق زندگی دنیوی است که در برابر فکر انسان خودنمایی می کند. احتمال زوال نعمت ها و ضعف و بیماری و ناتوانی و درماندگی و احتیاج، نگرانی از گناهانی که انجام داده، همه این ها آدمی را رنج می دهد، اما ایمان به خداوند قادر متعال، رحیم و مهربان، غفار، توبه پذیر، رحیم و غفور، می تواند این گونه نگرانی ها را از میان ببرد و به او آرامش دهد.

کسب قدرتهای معنوی: معنویت در انواع مختلفی از مفاهیم فرهنگی و دینی، راهی تلقی می شود که در آن فرد می تواند به چیزی مثل سطح بالایی از هوشیاری یا انسان کامل شدن یا رسیدن به حکمت یا اتحاد با خدا یا خلقت دست یابد، مانند، معجزات پیامبران، از جمله حضرت عیسی (ع) که با درجه معنوی بالا و ایمان به مالکیت خداوند به اذن خدا مردگان را زنده می کرد. اعتقاد به مالکیت پروردگار از اعتقادات اساسی است که مکتب الهی را از مکتب مادی جدا کرده و در تفکر آدمی در شناخت انسان و جهان اثر بزرگی دارد. این اعتقاد، زیر بنای انسان سازی و از پایه های اساسی تعلیم و تربیت است و انسان را با ایمان، با مسؤولیت و دارای روحیه خودداری از گناه می کند. خدایی که مالک جهان هستی است به او اجازه داده از سایر موجودات به قدر رضای مالک استفاده کند. اسلام انسان را به مطالعه و تدبیر در آفرینش تشویق و آن را از عبادات بزرگ شمرده است. مطالعه در مخلوق، با توجه به خالق، حق شناسی اخلاقی و انسانی از جهان آفرین است.^۱

آثار تربیتی و اخلاقی شفاعت: شفاعت، نوعی رابطه بین مخلوق و خالق است و انتخاب شفیع و اذن شفاعت تنها شایسته خداوندی است که عالم به تمام موجودات زمینی و آسمانی است و از همه ویژگی های وجودی شفیعان آگاه است. اعتقاد به علم الهی نیز از ارکان تربیت اسلامی و ضامن اجرای انجام عبادات صحیح و اعمال صالح است.^۲

شفاعت، از ماده شفع و به معنای وساطت و میانجی گری است و در اصطلاح به واسطه گری شخص مورد اعتماد نزد خداوند به منظور عفو مجرمی یا برآوردن حاجتی اطلاق می شود. این مسأله اثر تربیتی ویژه ای نه تنها در شفاعت خواهان، بلکه در شفاعت کننده بر جای می نهد؛ یعنی شفاعت انگیزه ای است تا آدمی در پرتو انجام اعمال حسنه، به این مقام دست یابد؛ زیرا مقام شفاعت، براساس تفضل الهی برای اولیاء الله در نظر گرفته شده است. اثر اعتقاد به شفاعت در زندگی دنیوی و اخروی قابل انکار نیست؛ هم چنان که اثر این اعتقاد در زندگی فردی و اجتماعی نیز غیر قابل انکار است.^۳

از بین رفتن نا امیدی و امید به رحمت الهی: اعتقاد به شفاعت پدیدآورنده امید در دل گناه کاران، و مایه بازگشت آنان در نیمه زندگی، به سوی خداست، و اگر حقیقت شفاعت درست مورد بررسی قرار گیرد، خواهیم دید که اعتقاد به شفاعت اولیای خدا، نه تنها مایه جرئت و موجب سرسختی با خدا نمی باشد، بلکه سبب می شود که گروهی به امید این که راه بازگشت به سوی خدا به

^۱ فلسفی، آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، ص ۲۷۷-۲۲۶.

^۲ همان، ص ۲۶۷-۳۰۴.

^۳ سبحانی، منشور جاوید، ج ۸، ص ۷.

روی آنان باز است، بتوانند به وسیله اولیای خدا، آمرزش الهی را نسبت به گذشته جلب کنند و از عصیان و سرکشی و سرسختی دست برداشته، به سوی حق باز گردند.

ایجاد انگیزه توبه: شفاعت نه تنها در زندگی انسان‌ها، این نقش را بر عهده دارد، بلکه پذیرش توبه، و در سطح وسیع‌تر موضوع «انتظار فرج» و امید به بهبود وضع آینده اجتماع، از عوامل سازنده و نیروبخش در دگرگون‌ساختن اوضاع و نابسامانی‌های بشر می‌باشد و او را از محیط تیره و تاریک و ناامیدی، به فضای روشن رجا و امیدواری وارد می‌کند.

دگرگونی در سرنوشت گناه‌کار: اعتقاد به شفاعت اولیای خدا، درباره گناه‌کاران سبب می‌شود که او معتقد گردد که وی از این به بعد می‌تواند سرنوشت خود را دگرگون سازد، و اعمال دیرینه وی طوری نیست که برای او یک سرنوشت شوم قطعی و غیر قابل تغییر ساخته باشد؛ بلکه او از همین حالا به کمک اولیای خدا و تصمیم راسخ خود بر اطاعت و فرمان‌برداری از خدا، می‌تواند سرنوشت خود را عوض کند، و درهای سعادت را به روی خود باز کند، ولی برعکس، یأس و ناامیدی و این‌که دیگر کاری از او و دیگران ساخته نیست، چراغ امید را در شبستان عمر انسان خاموش می‌سازد.

ارتباط میان بندگان و شفیع: برقراری رابطه معنوی با شفیعان، از دیگر آثار تربیتی شفاعت است.^۱ امید به شفاعتِ اولیای الهی، انسان را وامی‌دارد، تا حد امکان، در مسیر آنان گام برداشته و در همانندسازی گفتار و کردار خود با سیره عملی امامان بکوشد. **علم الهی:** «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ»؛ اشاره به احاطه خداوند به گذشته، آینده و آفرینش کل هستی و به علم ایشان است و ایشان احاطه ای به علم او ندارند، مگر به آن مقداری که خود او خواسته باشد. علم نامحدود الهی و آیات اول سوره حدید و وجود ضمیر پنهان در آدمی که اگر از آن مراقبت نشود، آشکار شده و آدمی را به کارهای ناروا وادار می‌کند و من طبیعی و من اجتماعی انسان تربیت شده و اثر این دو و احاطه علمی خداوند بر منطقه نیمه روشن ضمیر پنهان و نیز ضمیر آشکار از آثار تربیتی این موضوع است. ایمان به خدا و اعتقاد به احاطه علمی پروردگار، مردم را وظیفه شناس بار می‌آورد. این سرمایه معنوی و ایمانی، بهترین ضامن حسن اجرای تمام برنامه‌های اسلامی در امور عبادی و اخلاقی و عملی مسلمین است.^۲

وسعت کرسی خداوند: کلمه کرسی به معنای به هم وصل کردن اجزای ساختمان است و اگر تخت را کرسی خوانده اند به این جهت بوده که اجزای آن به دست نجار در هم فشرده و چسبیده شده است، و بسیاری از مواقع این کلمه را کنایه از ملک و سلطنت می‌گیرند، و می‌گویند فلانی از کرسی نشینان است، یعنی او منطقه نفوذی و قدرت وسیعی دارد.^۳ برای واژه کرسی چند معنا بیان شده است: تخت و سریر؛ قلمرو فرماندهی و تدبیر؛ مرکز فرماندهی و تدبیر و علم، مراد از کرسی در آیه الکرسی حکومت، قیمومت، سلطه و تدبیر خداوند است.^۴ علم خداوند به جمیع آسمان‌ها و زمین احاطه دارد، امام صادق (علیه السلام) فرمود: منظور از، «وسع کرسیه السموات و الارض» علم خداوند است.^۵ همچنین فرمود: «آسمان‌ها و زمین در برابر کرسی همچون

^۱ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۵۲۴.

^۲ همان.

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۰۰-۵۲۱.

^۴ معنی کرسی در لغت نامه دهخدا: ۱- سریر، تخت. ج. کراسی، ج ۱۲، ص ۱۸۲۶۵.

^۵ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۴.

^۶ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۱۷.

حلقه انگستری است در وسط یک بیابان و کرسی در برابر عرش همچون حلقه‌ای است در وسط یک بیابان» و «همه آسمان‌ها و زمین و مخلوقات در داخل کرسی است که چهار ملک با اجازه خداوند آن را حمل می‌کند». وسعت کرسی خدا به این معنا است که تمامی آنچه در آسمان‌ها و زمین است، هم ذاتشان و هم آثارشان را حافظ است و فرمود: «وَلَا يُوَوِّدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»؛ یعنی بر خداوند حفظ آسمان‌ها و زمین سنگین و سخت نمی‌باشد و خداوند را خسته نمی‌کند، یعنی، چرت و خواب ندارد، تا او را از قیومیت آسمان‌ها و زمین بازدارد. معنای آن، این است که خدای تعالی که هیچ معبودی به جز او نیست، تمام حیات و زندگی مال اوست و او قیومیتی مطلق دارد، قیومیتی که هیچ عاملی آن را دستخوش ضعف و سستی نمی‌سازد و به خاطر عظمتش از کثرت مخلوقات به تنگ نیامده و با دو نام مقدس علی و عظیم، می‌خواهد علو و عظمت را منحصر در خدا کند، او بالاتر است از آنچه نشانه نقص است و او توانا است که هیچ چیز او را ناتوان نمی‌کند و دانایی است که هیچ چیز بر او پوشیده نیست و برای مقدرات و معلومات او نهایت و پایانی نیست.^۲

آری، توجه به قدرت نامحدود خداوند، در روح مؤمن آرامش ایجاد می‌کند و مؤمن با آن خوشتن را در مصونیت و امان می‌یابد. هر یک از صفات خدا: قیوم، حی، سمیع، علیم، علی و عظیم، نقش سازنده‌ای در تربیت انسان دارد. زیرا بهترین مکتب آن است که به پیروان خود امید و عشق بدهد، سرنوشت و آینده آنان را روشن کند و پیروانش نیز بدانند که هر لحظه زیر نظر هستند، لغزشهایشان قابل عفو است و حاکم آنان مهربان است.^۳ خلاصه آنکه خدایی سزاوار پرستش است که زنده و پابرجا و نستوه باشد، گرفتار ضعف و خستگی و دچار خواب و چرت نگردد، احدی بدون اراده او قدرت انجام کاری را نداشته باشد. همه چیز را بداند و بر همه چیز احاطه و تسلط داشته باشد.

اصول و نکات تربیتی و تفسیر آیه ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره بقره^۴

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، هیچ اکراهی در این دین نیست، همانا کمال از ضلال متمایز شد، پس هر کس به طغیانگران کافر شود و به خدا ایمان آورد، بر دستاویزی محکم چنگ زده است، دستاویزی که ناگسستنی است و خدا شنوا و دانا است. خدا سرپرست و کارساز کسانی است که ایمان آورده باشند، ایشان را از ظلمت‌ها به سوی نور هدایت می‌کند و کسانی که (به خدا) کافر شده‌اند، سرپرستشان طاغوت است که از نور به سوی ظلمت سوقشان می‌دهد، آنان دوزخیانند و خود در آن بطور ابد خواهند بود.

دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات، اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد. دینی که برهان و منطق دارد، نیازی به اکراه و اجبار ندارد. تأثیر زور در اعمال و حرکات است، نه در افکار و عقاید. کلمه رشد به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر است، اسلام دین رشد است و دین، مایه رشد و تربیت انسانیت است. اسلام با استکبار سازش ندارد. تا طاغوت‌ها محو نشوند،

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۲۰.

^۲ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲۸ - ۶۲۹.

^۳ قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۴۰۵.

^۴ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۶.

توحید جلوه نمی کند. اول کفر به طاغوت، بعد ایمان به خدا. کفر به طاغوت و ایمان به خدا باید دائمی باشد. تکیه به طاغوت ها و هر آنچه غیر خدایی است، گسستنی و از بین رفتنی است. تنها رشته ای که گسسته نمی گردد، ایمان به خداست.

رابطه ایمان با سعادت و منظور از عروۀ الوثقی: کلمه استمساک به معنای چنگ زدن و چیزی را محکم چسبیدن است و کلمه عروۀ به معنای دستگیره و یا به عبارت دیگر دسته ای است که با آن چیزی را گرفته و بلند می کنند، مانند دسته کوزه و دلو و دستگیره ظرف های مختلف، البته گیاههای ریشه دار و نیز درخت هائی را که برگ آنها نمی ریزد، عروۀ می نامند و این کلمه در اصل به معنای تعلق می باشد. جمله «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» استعاره است و می خواهد بفرماید که رابطه ایمان با سعادت، رابطه عروۀ و دستگیره ظرف با ظرف و یا با محتوای ظرف است. همانطوری که گرفتن و برداشتن ظرف، گرفتن و برداشتنی مطمئن نیست مگر وقتی که دستگیره آن را بگیریم، به همان سان سعادت حقیقی امرش مستقر نمی شود و امیدی به رسیدن به آن نیست مگر اینکه به خدا ایمان آورده و به طاغوت کفر بورزیم. محکم بودن ریسمان الهی کافی نیست، محکم گرفتن هم شرط است.

حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان همان حکومت مستضعفان و صالحانی است که در قرآن آمده است. بزرگترین مصداق این آیه اهل بیت پیامبر می باشد، پیامبر در حدیثی به امام علی (علیه السلام) فرمودند: تو عروۀ الوثقی هستی.^۱ همچنین امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» یعنی ولایت، ولایت ریسمانی است که قطع نمی شود و مراد علی (علیه السلام) و امامان (علیهم السلام) پس از او هستند.^۲ بنابراین در عصر ما این نور وجود امام زمان مصداق کامل عروۀ الوثقی می باشد که انسان ها از طریق او به خدا می رسند. به واسطه این نور مومنان هدایت می شوند و راهشان روشن است، چون از نور ایمان برخوردارند و آنها راهی را جز راه خدا قبول نمی کنند، چون متمسک به سبیل الله شده اند.^۳

خروج از نور به ظلمت و از ظلمت به نور: انسان از همان آغاز خلقت، دارای نوری فطری است که نوری است اجمالی؛ اگر تربیت شده و ترقی کند، این نور در او تقویت می شود، چون در همان اوان خلقت نسبت به معارف حق و اعمال صالح به صورت کامل نور ندارد، بلکه در ظلمت است. در این آیه در مورد مؤمنان، ظلمات قبل از نور آمده و درباره کفار، نور قبل از ظلمات است. مؤمن فطری که دارای نور فطری و ظلمت دینی است، وقتی در هنگام بلوغ ایمان می آورد به تدریج از ظلمت دینی به سوی نور معارف و اطاعت های کامل خارج می شود و اگر کافر شود از نور فطریش به سوی ظلمت کامل کفر و معصیت بیرون می شود. نور اعتقاد درست و حق، باعث از بین رفتن ظلمت جهل، حیرت شک، تردید، اعمال زشت و اضطراب قلب می شود، عمل صالح هم از این جهت نور است که رشد آن روشن، و اثرش در سعادت آدمی واضح است.

اگر در آیه شریفه کلمه نور را مفرد و کلمه ظلمت را جمع آورد، اشاره به این است که، در راه حق هیچ گونه پراکندگی وجود ندارد و وحدت و هماهنگی حاکم است، ولی در مسیر باطل، انواع اختلافات و پراکندگی ها و ظلمات ها موجود است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مراد از نور آل محمد (علیهم السلام) و مراد از ظلمات دشمنان ایشان هستند.^۴ این آیه، مبنای بحث امامت در قرآن است و می توان این آیه را در شش محور اصلی مورد دقت و مطالعه قرار داد:

^۱ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۰.

^۲ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۶۳.

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۱۳.

^۴ همان، ج ۲، ص ۵۳۰.

ولایت الله ، خروج از ظلمت ، کفر به ولایت الله ، ولایت طاغوت، خروج از نور، اصحاب آتش.

۱- **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا** ، خدا ولی مؤمنین است، ولایت از آن خدا است.

۲- **يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**، خدا ولی مؤمنین است، پس ولایت الهی آن‌ها را از ظلمت‌ها به نورانیت می‌برد، همانگونه که ولی طفل، او را به سوی علم و صلاح و نورانیت هدایت می‌کند.

۳- **وَالَّذِينَ كَفَرُوا**، کسانی که کفر بورزند، قرآن کریم می‌فرماید: ای مؤمنین، خدا ولی شما است، اگر کسی به این مطلب کافر شود، اولیای او طاغوت است، در نتیجه محور سوم کفر به امامت است.

۴- **أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ**، کسی که زیر بار ولایت خدا نرود و کافر شود، ولی خدا را نپذیرد به ناچار ولایت دیگری را می‌پذیرد و تحت ولایت طاغوت خواهد بود.

۵- **يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ**، اولیای طاغوتی، کافرین به ولایت خدا، آنجایی که انحراف از مسیر ولایت الله بوده، مؤمنین را از نور به سوی ظلمت‌ها خارج می‌کنند.

۶- **أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**، کسانی که دانسته به ولایت ولی خدا کفر بورزند و به سمت اولیای طاغوتی بروند، تسلیم حکم خدا نشوند و سرپیچی از دستورات او و اصرار بر گناه داشته باشند، اصحاب آتش هستند و آن‌ها در آتش جهنم جاودان خواهند بود.

آنکه ولایت خدا را پذیرفت، کارهایش رنگ خدایی پیدا می‌کند. برای خود رهبری الهی برمی‌گزیند. راهش روشن، آینده‌اش معلوم و به کارهایش دلگرم است. در جنگ‌ها و سختی‌ها به یاری خدا چشم دوخته و از قدرت‌های غیر خدایی نمی‌هراسد. تنهایی در زندگی برای او تلخ و ناگوار نیست، چون می‌داند او زیر نظر خداوند است. از انفاق و خرج کردن مال نگران نیست، چون مال خود را به ولی خود می‌سپارد. تبلیغات منفی در او بی اثر است، چون دل به وعده‌های حتمی الهی داده است.^۱

روایات و احادیث در فضیلت، خواص، اعجاز و خواندن آیه الكرسي

علامه طباطبایی عظمت آیه الكرسي را به جهت شامل بودن آن بر معارف دقیقی درباره توحید خالص و قیمومیت مطلق خدا دانسته است. از امام صادق (علیه السلام) روایت آورده که فرمود: ابوذر به رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله ، مهم‌ترین و پر فضیلت‌ترین آیه‌ای که بر تو نازل شده کدام است؟ فرمود: آیت الكرسي.^۲ در فضیلت این آیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: برگزیده قرآن سوره بقره و برگزیده بقره، آیه الكرسي است، در آن پنجاه کلمه است و در هر کلمه‌ای پنجاه برکت است.^۳ بر تو باد به قرائت آیه الكرسي که در هر حرف آن هزار برکت و هزار رحمت است.^۴ آیه الكرسي از گنجینه‌ای در زیر عرش به من عطا شده است و قبل از من به هیچ پیغمبری چنین عطائی نشده است.^۵ هر کس صد بار آیه الكرسي را بخواند به منزله کسی است که خداوند را در تمام عمر خود، عبادت کرده است.^۶ درباره آثار و برکات این آیه پیامبر (صلی الله

^۱ بقره: ۱۳۸؛ بقره: ۲۴۷؛ یونس: ۹؛ بقره: ۱۵۶؛ یوسف: ۵۶؛ بقره: ۱۷۳؛ توبه: ۴۰؛ بقره: ۲۴۵؛ اعراف: ۱۲۸

^۲ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۱۴.

^۳ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲۶.

^۴ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۳۱

^۵ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۱۶.

^۶ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۶۳.

علیه و آله و سلم) هنگام وضع حمل فاطمه فرمود: آن آیه با آیه سُخره^۱ و معوذتین بر حضرت خوانده شود. امام علی (علیه السلام) فرمود: پس از شنیدن این سخن از پیامبر هیچ شبی را بدون قرائت آن به سر نیاوردم و هر شب سه بار در دو رکعت بعد از عشا و در وتر و هنگام خواب آن را می‌خواندم.^۲ بر مسلمان لازم است که شب را به پایان نیاورد، مگر آنکه آیه الكرسي را بخواند و اگر می‌دانستید که این آیه چیست و در آن چیست، هرگز آن را رها نمی‌کردید.^۳ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هر کس یکبار آن را بخواند، خداوند هزار ناگواری از ناگواری‌های دنیا و هزار ناگواری از ناگواری‌های آخرت را از او بر می‌گرداند، آسان‌ترین ناگواری دنیا فقر و سهل‌ترین ناگواری آخرت عذاب قبر است. آیه الكرسي قلّه رفیع قرآن است.^۴

آیه الكرسي برای رضایت خداوند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: وقتی که خداوند تعالی، سوره حمد و آیه الكرسي را نازل کرد، درحالی‌که به عرش آویخته شده بودند و بین آن‌ها و خداوند حائل وجود نداشت، گفتند: «پروردگارا ما را به سرزمین معاصی و به‌سوی گناهکاران هبوط می‌دهی، درحالی‌که ما به قداست و پاکی تعلق داریم؟! خداوند فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند! هر بنده‌ای را که پس از پایان تمام نمازها شما آیات را بخواند، در بهشت ساکن می‌کنم و با چشمان پنهانم روزی هفت بار به او نظر می‌کنم و هر روز هفتاد حاجت او را برآورده می‌نمایم که مغفرت و بخشش، کمترین آن است و او را از شرّ همه‌ی دشمنان پناه می‌دهم و در مقابل دشمنانش او را یاری می‌کنم و فقط مرگ مانع ورود او به بهشت می‌شود.^۵

تلاوت آیه الكرسي هنگام خواب و نورانیت در قبر: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: وقتی مؤمنی، ثواب قرائت آیه الكرسي را به اهل قبور هدیه کند، خداوند برای هر حرفی از این آیه، فرشته‌ای قرار می‌دهد، که خداوند را برای قاری آن، تا روز قیامت تسبیح کند و به وی پاداش شصت پیامبر را دهد و خدا در هر قبری از شرق تا غرب، چهل شمع از نور قرار می‌دهد و قبرهای آنها را وسعت دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: آیا به شما گزارش ندهم که هرگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به بستر خواب می‌رفت، چه می‌فرمودند؟ گفتیم: چرا، فرمودند: آیه الكرسي را می‌خواند و می‌گفت: **آمنت بالله و کفرت بالطاغوت**؛ بار خدا! مرا در خواب و بیداری‌ام حفظ فرما.^۶

ثواب آیه الكرسي بعد از وضو و نماز: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس بعد از وضو گرفتن یک بار آیه الكرسي بخواند، خدا ثواب چهل سال عبادت را به او عطا کند و مقامش، چهل درجه بالا می‌رود.^۷ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس آیه الكرسي را بعد از هر نماز بخواند، هفت آسمان شکافته گردد و به هم نیاید تا خدا به سوی خواننده‌اش نظر رحمت افکند و پس از آن فرشته‌ای را برانگیزد که از آن هنگام تا فردای آن روز، کارهای خوبش را بنویسد و کارهای بدش را محو نماید. امام صادق (علیه السلام) فرمود: سفر را با دادن صدقه و یا با خواندن آیه الكرسي آغاز کن.^۸ امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: اگر

^۱ اعراف: ۵۴-۵۶.

^۲ الامالی، شیخ طوسی، ص ۵۰۹.

^۳ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۵۱۵.

^۴ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۶۲ و ۲۶۷.

^۵ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۶۷.

^۶ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳۶.

^۷ توپسرکانی، لثالی الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۸.

^۸ همان، ج ۳، ص ۳۵۷، ج ۴، ص ۲۸۳.

فردی عازم سفر است، بر در خانه‌اش رو به مسیری که می‌رود، بایستد و سوره حمد و آیه الکرسی را به سمت مقابل، چپ و راست بخواند.^۱

نتیجه گیری

مهم‌ترین ویژگی «آیه الکرسی» از نظر مرحوم علامه طباطبایی (ره) بحث توحیدی آن می‌باشد. ایشان آیات «غرر» را از آیات توحیدی بر می‌شمرد، به دلیل اینکه همه مسائل اسلامی و قرآنی اعم از عقاید، اخلاق، احکام و حقوق به نوعی به توحید باز می‌گردد. توحید در راس اصول اعتقادی و سرلوحه دعوت انبیاء است. اگر شفيعی شفاعت می‌کند، تنها به اذن خدا و به قیومیت باری تعالی است. این آیه مشتمل بر کلمه طیبه «لا اله الا هو» است، کلمه ای که اساس اعتقاد هر مسلمان است. آیه الکرسی با کلمه حی تمام معبودهای بی جان و جماد را از کرسی الهیت به زیر می‌آورد و بشر زنده و عاقل را از پرستش آن خدایان ساختگی آزاد می‌سازد و با اعتقاد به خداوند، انسان به جایی می‌رسد که از هیچ کس و هیچ چیز نمی‌ترسد و امید سراسر زندگی او را در بر می‌گیرد. خداوندی که مالک واقعی همه کس و همه چیز است و مهمترین نکته تربیتی آیه الکرسی همین موضوع است و با ایمان به این نکته انسان به جای تملک و ابدی دانستن مالکیت خود، باید به بهره برداری آگاهانه از دنیا فکر کند. اعتقاد به مالکیت پروردگار از اعتقادات اساسی است که زیر بنای انسان سازی و از پایه های اساسی تعلیم و تربیت است و انسان را با ایمان، با مسئولیت و دارای روحیه خودداری از گناه می‌کند. انسان را مؤدب، خوشحال و راضی کرده و به قدرتهای معنوی بالا خواهد رسید.

در این پژوهش ابتدا با بیان مفهوم توحید، اهمیت و مراتب آن از دیدگاه قرآن و نیز مفهوم تربیت، اهمیت، ابعاد و عوامل مؤثر بر آن و اثبات پیوند توحید و تربیت، زمینه برای بررسی آثار تربیتی فردی و اجتماعی توحید به ویژه از منظر آیات قرآنی و دیدگاه های علامه طباطبایی (ره) فراهم گشت.

اعتقاد به علم الهی از ارکان تربیت اسلامی و ضامن اجرای انجام عبادات صحیح و اعمال صالح است.

علم نامحدود الهی موجب تربیت، من طبیعی و من اجتماعی انسان شده و اثر این دو و احاطه علمی خداوند بر منطقه نیمه روشن ضمیر پنهان و نیز ضمیر آشکار، از آثار تربیتی این موضوع است. ایمان به خدا و اعتقاد به احاطه علمی خدا، مردم را وظیفه شناس بار می‌آورد. این سرمایه معنوی و ایمانی، بهترین ضامن حسن اجرای تمام برنامه های اسلامی در امور عبادی و اخلاقی و عملی مسلمین است.

حکومت امام مهدی (عج) در آخر الزمان همان حکومت مستضعفان و صالحانی است که در قرآن آمده است. عروه الوثقی دستگیره محکم الهی است که طبق روایات پیامبر و امامان بعد از او هستند. در عصر ما این نور وجود امام زمان، مصداق کامل عروه الوثقی می‌باشند.

شش محور اصلی، آیه آخر، ولایت الله، خروج از ظلمت، کفر به ولایت الله، ولایت طاغوت، خروج از نور و اصحاب آتش می‌باشند.

^۱ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۴۵.

^۲ در میان آیات قرآن، آیاتی به چشم می‌خورد که اساس و پایه تفسیر سایر آیات قرآن به شمار می‌آید. علامه طباطبائی از این آیات کلیدی با عنوان «غرر آیات» یاد کرده است. روش استفاده از آیات غرر در تفسیر قرآن کریم نوعی روش «تفسیر قرآن به قرآن» است که کار ویژه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان است، مانند: رعد: ۳۹، ۲۸، ۱۷.

پس نتیجه اینکه این سه آیه شامل یک دوره فشرده از معارف دینی ما است، آیه اول درباره توحید و از وحدانیت، حیات، قیومیت، مالکیت مطلق، علم فراگیر خدا، شفاعت در نزد او و عدل الهی و این‌ها سخن می‌گوید. در آیه بعدی مسأله نبوت مطرح می‌شود که چند بحث محوری در مورد نبوت و شریعت وجود دارد که باید در مباحث نبوت بررسی شود. آیه سوم هم درباره امامت سخن می‌گوید و اشاره به معاد هم دارد. با مطالعه انجام شده و تفکر و تدبیر در آیه‌الکرسی، اصول دین و اصول مذهب ما شیعیان در آیات مذکور نهفته است. این چنین است که در آیه‌الکرسی علاوه بر اصل توحید تمام اصول عقائد حقه ما شیعیان اثنی عشری نیز بیان گشته تا شاید اهل معرفت اندیشه کنند. با بررسی‌های انجام شده می‌توان دلیل جایگاه عظیم این آیه را بیان معارف ناب توحیدی گنجانده شده در آن دانست که درکش برای هر سالک راه حق از ضروریات است و فهم عمیق این آیه منتج به یافتن راه راست هدایت و تشخیص مذهب حق منطبق بر صراط مستقیم خواهد گشت.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دارالقرآن کریم، چ ۲، ۱۳۷۳ ش.
- سیدرضی (گردآورنده)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور، چ ۱، ۱۳۷۹ ش.
- اقبال آشتیانی، عباس، و هاتف اصفهانی، احمد، دیوان هاتف اصفهانی. ج ۱. مؤسسه انتشارات نگاه. ۱۳۸۵.
- تویسرکانی، محمدنبی بن احمد، ۱۳۲۱ ق، لثالی الاخبار، قم، مکتبه العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- دهخدا، علی اکبر و شهیدی، سید جعفر، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۲، ۱۳۷۷ ش.
- سبحانی، جعفر، عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
- سید قطب و یژگی‌های ایدئولوژی اسلامی، ترجمه سید محمد خامنه‌ای، تهران، کیهان، ۱۳۶۹ ش.
- طباطبایی، ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۳۷۴ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه: بلاغی، محمد جواد، ج ۲، ص ۶۲۶، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- فلسفی، محمدتقی؛ سوزنچی، حسین؛ آیه‌الکرسی پیام آسمانی توحید، تلخیص، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ ش.
- فیض کاشانی، محسن، التفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶ ق.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- لطفی، علیرضا، پژوهشگر علوم قرآنی، کارگاه اصول و نکات تربیتی آیه‌الکرسی، quraniclife.ir.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۰ ش.

- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳۱، تهران: صدرا، چ ۲، ۱۳۷۲ش
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه امیر المومنین، ۱۳۶۸ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، آل البيت، ۱۳۶۹.